

انتخاب رشته زبان در دانشگاه کار درستی است؟



Roozbeh Shahlai

دوستان سلام

مدتی دانش آموزان زیادی رو میبینم که درباره انتخاب رشته تحصیلی مناسب سر درگم هستن. آینده شغلی رشته مورد نظرشون، میزان سختی و آسونی درسها و ... همه شده دغدغه بچه ها برای انتخاب و یا ادامه یه رشته. یادم میاد موقع انتخاب رشته خودم هرروز صبح پا میشدم میرفتم دانشگاه تهران و شریف تا با اساتید رشته های مختلف مهندسی صحبت کنم و به یه نتیجه منطقی برسم. سعی میکردم به شرکت های مهندسی سر بزنم و ببینم مهندس هایی که در صنعت مشغول به کار هستن چی میگن. خوب درک میکنم که بچه های الان چه حسی دارن. خوب میفهمم وقتی نظرات متفاوت و متناقض می شنون چه حسی بهشون دست میده. اما وقتی کلی تحقیق کردم، تصمیمم رو گرفتم. با اینکه به محض ورود به دانشگاه وارد حرفه تدریس شدم، از انتخاب رشته تحصیلی ام (مکانیک) خوشحالم و در طول مسیر تحصیلی آکادمیکم حتی 1 بار هم پشیمون نشدم. تو این مقاله هدفم اینه که بگم در لحظه لحظه زندگیتون به دنبال ندای دلتون باشید و در عین حال سعی کنید آینده رو هم بررسی کنید. ولی زندگی خودتون رو خودتون بسازید.

در بین رشته های موجود، اکثر داوطلبان در رشته های تجربی و ریاضی شرکت می کنن و این باعث شده ذهنیت غلطی به وجود بیاد که رشته های زبان، انسانی و هنر در الویت نیستن یا حتی جامعه به شغل های مرتبط با این رشته ها کمتر نیاز داره. درسته که شاید حقوق و مزایای سایر شغلها به اندازه شغل های رشته های ریاضی و تجربی رنگین نیست اما این موضوع، نباید باعث نادیده گرفتن استعداد و علایقتون بشه

متأسفانه خانواده ها از دوران دبیرستان خواسته یا ناخواسته فرزندانشون رو به دکتر یا مهندس شدن ترغیب می کنن و باعث می شن بچه ها حتی فرصت کشف استعداد هاشون در بقیه زمینه ها رو نداشته باشن. دانش آموزان

زیادی بوده اند که به دلیل هدایت غلط، توصیه های نامناسب، مشورت با افراد منفی گرا و ... نتوانستن علاقه خودشان رو دنبال کنن و با وجود اینکه با تلاش بسیار در رشته های پزشکی و مهندسی قبول شدن اما عدم علاقه به رشته تحصیلیشون و بی انگیزگی در این افراد باعث شده در اون زمینه شغلی موفق نباشن!

به نظرتون در کشورمون به همون اندازه که مهندس عمران میخوایم که جاده ها رو برامون بسازن به دبیر ادبیات برای ارتقا فرهنگ و تعلیم زبان مادری فرزندانمون نیاز نداریم؟ به همون اندازه که از درد دندان هامون رنج می بریم و برای وقت گرفتن از یک دندانپزشک لحظه شماری میکنیم به یک روانشناس برای ترمیم درد های روحی و دغدغه های ذهنیمون نیاز نداریم؟ به همون اندازه که در نیروگاهها نیاز به وجود مهندسين خبره برق هست، به وکلا برای احقاق حق در دادگاه ها نیاز نیست؟ متاسفانه سیل عظیم شرکت کننده های کنکور در رشته های تجربی و ریاضی باعث شده تا دانش آموزان و خانواده ها کوچکترین تلاشی برای تحقیق در سایر رشته ها و نیاز های جامعه نکنن.

بنده به همراه دکتر اناری در پی برنامه ای که برای تامین نیاز های داوطلبان رشته منحصرا زبان پیاده کرده ایم متوجه شدیم که دانش آموزان زیادی در ایران زمین هستن که علیرغم داشتن علاقه زیاد به زبان انگلیسی به دلیل صحبت های دیگران جسارت مطالعه در این رشته و شرکت در کنکور زبان را از دست داده اند. اما به واقع، ایران کشوری است که برای پیشرفت، در قدمهای اول به دانش زبان انگلیسی نیاز اساسی دارد. کمتر کشوری در حال حاضر برای گسترش تمدن و پیشرفت اهمیت ارتباط با کشور های دیگه رو نادیده می گیره. و چه شغلی ارزنده تر از دبیری زبان انگلیسی برای تعلیم مردان و زنان کشورمان!

ایمیل ها و پیغام های بسیار زیادی دریافت کردیم که می پرسیدن: آیا ورود به رشته های زبان کار درستیست؟ آخه میگن تو رشته های زبان کار نیست! میگن مترجمی پول خوبی نداره. میگن آخرش یه معلم میشی دیگه. میخوای بری رمان تحلیل کنی که چی بشه و ...! تاسف میخورم که این ذهنیت چرا و از کجا شکل گرفته. از خودم میپرسم کی میاد روزی که مردم بفهمند رشته های بسیاری کم اهمیت در نظر گرفته شدن ولی جامعه برای داشتن متخصص در آنها خلاء زیادی رو حس میکنه.

اما جواب ما برای این دوستان عزیز چیه؟

در کشور ما خلاء پرداخت حقوق و مزایا برای بعضی رشته ها حس میشه. درسته، همیشه این حقیقت رو انکار کرد. درآمد یک مترجم به اندازه یک مهندس مکانیک نیست. در آمد یک استاد دانشگاه در رشته ادبیات انگلیسی به اندازه یک پزشک متخصص نیست. اما به جرات میشه گفت که با افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژی، رشته زبان جزوه معدود رشته هایی است که نیاز به اون هیچوقت از بین نمیره. درسته که نیاز به یک مهندس شیمی برای تولید صحیح یک محصول، نیاز به یک مدیر برای کنترل منابع و برنامه ریزی، نیاز به یک پزشک برای شفاء اعضای جامعه و ... اساسی هستن اما این نیاز تنها یک بعد مهم تحصیل و ارتباط است. بعد دیگر، ارتباط با دنیای بیرون، ترجمه زبان های کشور های دیگر به زبان مادری، مطالعه علوم به زبان اصلی دنیا، یافتن ایده های بکر نویسندگان بزرگ و ... است..

انسان های موفق یه هدف داشتن. برای رسیدن به اون هدف عناصر انگیزه، پشتکار و خستگی ناپذیری همگی دست به دست هم دادن تا اکنون ما اسم افرادی رو میشنویم که شاید نه دکتر هستن، نه مهندس. برعکس، افراد موفق با ایده های ناب در زمینه هایی موفق شدن که دیگران موفقیت در اون رو غیر ممکن میدونستن. افراد موفق یک شعار واحد دارن: همه گفتن نمیشه اما ما شروع کردیم چون قلبا میخواستیم که بشه.

اگر قلبا میخوای دبیر زبان بشید شروع کنید. فرق نمیکنه کجای ایران هستید. فرق نمیکنه الان چه پایه ای در زبان دارید. فقط شروع کنید! اگر میخواهید مترجمی شوید که برای بسیاری از مردم ایران که قدرت مطالعه یک رمان به زبان اصلی را ندارند یک دلگرمی باشید و قصد گوینده را همان طور که هست بیان کنید، شروع کنید. اگر میخواید فردی باشید که دانشجویان و کارشناس های زبان برای شنیدن تحلیل های شما از آثار شکسپیر صف ببندد، تردید رو کنار بذارید.

چه خوب میشه اگر دبیر یک دکتر موفق و نامی باشیم.

چه احساس زیباییه اگر مترجم پر فروش ترین کتاب دنیا باشیم.

چه تجربه شغف انگیزی اگر جزو معدود تحلیل گرانی باشیم که بتونیم افکار مشاهیر بزرگ گذشته را زنده کنیم و به زبان حال بیان کنیم.

رشته های مرتبط با زبان در سایر کشور های جهان هم طرفدار داره و به تحصیلات آکادمیک اون اهمیت میدن. اما در ایران بحث بازار کار ضعیف باعث تردید در ورود به این رشته ها میشه. با این وجود در ایران مترجم هایی هستند که درآمد سالیانه بالایی دارن. دبیرانی هستن که هفته ای 60 ساعت تدریس می کنن و جزو افراد موفق محسوب میشن.

2 نکته مهم:

1- یک مهندس و یا پزشک میتونه در کنار تحصیلات آکادمیک حرفه خودش به مطالعه و یادگیری زبان بپردازه و به موازات شغل اصلیش یک دبیر و یا یک مترجم موفق هم بشه. پس رفتن به رشته های مطرح منافاتی با مطالعه و دنبال کردن زبان انگلیسی نداره!

2- بهره مندی از دکتر ها و مهندسين مجرب به تنهایی باعث پیشرفت یک کشور نمیشه. ما در کشور عزیزمان تا ابد نیاز به طراحان موفق، معلمان دلسوز، حقوقدانان با سواد، جامعه شناسان باهوش و خواهیم داشت.

در انتها با یک داستان بحث رو خاتمه میدم:

پادشاهی دو شاهین کوچک به عنوان هدیه دریافت کرد. آنها را به مربی پرندگان دربار سپرد تا برای استفاده در مراسم شکار تربیت کند. یک ماه بعد، مربی نزد پادشاه آمد و گفت که یکی از شاهین‌ها تربیت شده و آماده شکار است اما نمی‌داند چه اتفاقی برای آن یکی افتاده و از همان روز اول که آن را روی شاخه‌ای قرار داده تکان نخورده است. این موضوع کنجکاوی پادشاه را برانگیخت و دستور داد تا پزشکان و مشاوران دربار، کاری کنند که شاهین پرواز کند. اما هیچکدام نتوانستند. روز بعد پادشاه دستور داد تا به همه مردم اعلام کنند که هر کس بتواند شاهین را به پرواز درآورد پاداش خوبی از پادشاه دریافت خواهد کرد. صبح روز بعد پادشاه دید که شاهین دوم نیز با چالاکی تمام در باغ در حال پرواز است. پادشاه دستور داد تا معجزه‌گر شاهین را نزد او بیاورند. درباریان کشاورزی متواضع را نزد شاه آوردند و گفتند اوست که شاهین را به پرواز درآورد. پادشاه پرسید: تو شاهین را به پرواز درآوردی؟ چگونه این کار را کردی؟ شاید جادوگر هستی؟ کشاورز که ترسیده بود گفت: سرورم، کار ساده‌ای بود، من فقط شاخه‌ای را که شاهین روی آن نشسته بود بردم. شاهین فهمید که بال دارد و شروع به پرواز کرد.

نتیجه:

ترس رو کنار بذارید و برای رسیدن به هدفتون پرواز کنید.

همت، انگیزه و پشتکار!

موفق باشید.

Instagram: Roozbehshahlaei

E-mail: Roozbeh_sh90@yahoo.com

از مقالات و محتوای آموزشی زبان انگلیسی و نیز برنامه ریزی و مشاوره تحصیلی رایگان در سایت ما بهره مند شوید. <http://www.shahabanari.com>

برای حضور در کلاسها و همایشهای گروه آموزشی دکتر شهاب اناری به سایت بالا مراجعه کنید.